

بررسی تأثیر متقابل حسنات و سیئات از دیدگاه قرآن کریم

زهرا سوری^۱

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی چگونگی تأثیر حسنات و سیئات بر یکدیگر بر اساس آیات قرآن کریم پرداخته است. از آنجایی که موضوع تأثیر حسنات و سیئات بر یکدیگر با سرنوشت انسان ارتباط دارد، فلذا بیان آن می تواند بر سبک زندگی او اثرگذار باشد. این مقاله که با استفاده از منابع کتابخانه ای و با شیوه توصیفی تحلیلی نگاشته شده است، هدفش آشنایی با تأثیر اعمال انسان بر یکدیگر است و ضمن بیان این که اعمال نیک و بد انسان بر یکدیگر تأثیرگذار هستند، گونه های مختلف این تأثیرگذاری متقابل را شناسایی کرده و مواردی چون حبط اعمال (با دو نظریه تحابط و موازنه)، نقل و الحاق عمل، تکفیر اعمال، تبدیل اعمال و شرایط آن و تضاعف در دو قلمرو ثواب و عقاب را مورد بررسی قرار داده است. همچنین علاوه بر تبیین عقلی تأثیر متقابل حسنات و سیئات، به بیان چند نمونه از اعمالی که دارای این اثرگذاری ها هستند و در قرآن نیز به آن ها اشاره شده، پرداخته است.

واژگان کلیدی: حسنات، سیئات، حبط، تکفیر، تضاعف.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه معصومیه (س)، zsouri7878@gmail.com

مقدمه

همواره آشنایی با قلمرو اعمال خوب و بد آدمی، برای انسان مسلمان که معتقد به آخرت و نظام پاداش و جزا است، شگفتی ساز می‌باشد. باور به مسئله هدفمندی جریان آفرینش، در ساماندهی رفتار انسان و انتخاب سبک زندگی او بسیار مهم است؛ لذا شایسته است انسان اهتمام علمی به امر رفتارشناسی و دستیابی به الگوی جامع رفتاری که سبب اعتصام عملی به اوامر الهی و سیره معصومین علیهم السلام است، داشته باشد. از آنجا که موضوع تأثیر متقابل اعمال، با فرجام انسان مرتبط است، در قرآن کریم بارها به آن اشاره شده است و همچنین نویسندگان بسیاری از جمله عبدالحسین طیب، نویسنده کتاب کلم الطیب و علی اکبر قرشی، نویسنده کتاب قاموس قرآن در آثار خود به آن پرداخته‌اند.

لذا تحقیق حاضر سعی دارد به تأثیرات مختلفی که حسنات و سیئات بر یکدیگر دارند بپردازد و از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار دهد.

مفاهیم

الف – مفهوم حسنات

- حسنات در لغت: حسنات، جمع حسنه به معنای کار نیک و عمل خیر است. (دهخدا، نرم‌افزار فرهنگ لغت)

- حسنات در اصطلاح: (جمع حسنه) حسنه به معنی هرگونه نیکی و زیبایی و خوبی است و همه نعمت‌ها و همچنین توفیق عمل صالح و آمرزش و بهشت و هرگونه سعادت را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۹۲)

ب – مفهوم سیئات

- سیئات در لغت: جمع سیئه و به معنی کار بد و ناپسند خطا و گناه است. (دهخدا، نرم‌افزار فرهنگ لغت)

- سیئات در اصطلاح: (جمع سیئه) سیئه به معنای هرگونه انحراف و زشتی است و به اعمال قبیح و غضب و جهل و خشونت نیز تفسیر شده است. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۸۰)

ج) مفهوم حبط

- حبط در لغت: حبط به معنای تباه شدن، نیست شدن، به باد رفتن، ناچیز و نابود شدن است. (یاحقی، فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۲، ص ۶۳۹)

- حبط در اصطلاح: به این معناست که معصیتی موجب از بین رفتن عبادات قبل گردد. (طیب، کلم الطیب، ص ۷۱۵)

حبط اعمال

منظور از حبط و احباط این است که بعضی از اعمال بد انسان، باعث باطل شدن و بی‌اثر شدن اعمال خوب او شود و در نتیجه، سعادت دنیا و آخرت او محقق نشود. خداوند متعال در قرآن کریم درباره کافران می‌فرماید: "أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ تمام اعمال آنان (کافران) در دنیا و آخرت بر باد می‌رود." (سوره ی بقره، آیه ۲۱۷)

آنچه خدای تعالی درباره اثر حبط بیان کرده، باطل شدن اعمال انسان هم در دنیا و هم در آخرت است. در مورد کافران هیچ ابهامی در زیان کاریشان در دنیا نیست؛ برای این که قلب کافر به امر ثابتی که همان خدای سبحان است بستگی ندارد تا وقتی به نعمتی می‌رسد آن را از ناحیه او بداند و خرسند گردد و چون به مصیبتی می‌رسد آن را نیز از ناحیه خدا بداند و دلش تسلی یابد و نیز در هنگام حاجت دست به درگاه او دراز کند بر خلاف مؤمن که در همه این مراحل دلش به جایی بستگی دارد. (امین، انسان و اعمالش از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۱۰۷) خدای تعالی در قرآن کریم، مؤمن را در زندگی دنیا دارای نور و حیات خوانده و کافر را مرده و بی‌نور؛ پس مراد از اعمالی که حبط می‌شود، مطلق کارهایی است که انسان به منظور تامین سعادت زندگی خود انجام می‌دهد نه خصوص اعمال عبادتی. علاوه بر دلیل گذشته، دلیل دیگری که می‌رساند مراد از عمل، مطلق عمل است نه تنها عبادت، این است که حبط را به کفار و منافقین هم نسبت داده با این که کفار عبادتی ندارند. (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۵۳)

اما نظریه دیگری در اینجا مطرح می‌شود و آن "نظریه تحابط" است.

تحابط اعمال آن است که حسنات و سیئات انسان در آخرت با هم سنجیده شوند و یکدیگر را حبط و تباه کنند و اگر اعمال نیک زیاد شود، اعمال بد از بین رفته و شخص اهل بهشت گردد و در صورت عکس، اعمال نیک از بین رفته و شخص اهل جهنم گردد و اگر اعمال نیک و بد مساوی بودند نه اهل رحمت باشد، نه اهل عذاب. (قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۱۴)

بطلان احباط و تحابط

تا اینجا به صورت اجمالی به بررسی حبط و احباط و تحابط پرداختیم، اما دلایلی وجود دارد که این نظریات را ردّ می‌کند. در بحث حبط، بعضی قائل به یک قاعده کلی شده و گفته‌اند گناهان و کارهای خوب به طور کلی نسبت به هم اثر از بین بردن دارد و قانون احباط و تحابط بین آن‌ها حاکم است.

بعضی گفته‌اند هر یک از سیئات و حسنات دیگری را از بین می‌برد و خودش جایگزین آن می‌گردد و این همان احباط است. بعضی گفته‌اند فعل بعدی با مقدار مساوی خودش از مخالف قبلی ساقط می‌گردد و هر کدام باقی داشت، به آن مقدار پاداش یا کیفر تعلق می‌گیرد و این همان تحابط است.

نتیجه هر دو نظریه این است که فردی که هم گناه کرده و هم کار نیک انجام داده، اگر کار نیکش بزرگتر یا متاخر باشد، مانند کسی است که فقط نیکوکار بوده و هیچ کار بدی از او سر نزده و بالعکس. البته این نظریات نه با عدل الهی سازگار است و نه با سیره عقلاء. در سیره عقلاء کسی که فقط نیک کرده، با کسی که هم نیک کرده و هم بدی و نیکی‌اش متاخر یا بزرگتر از بدی‌اش است، مساوی نمی‌باشد و یکسان نگریسته نمی‌شود؛ همانگونه کسی که فقط بدکار بوده با کسی که بدیش متاخر یا بیشتر از نیکی‌اش است یکسان نمی‌باشد. از طرف دیگر، عقلاء نسبت به کسی که هم نیک کرده و هم بدی، نسبت به نیکی‌اش قدردانی و پاداش اعمال می‌کنند و نسبت به بدیش سرزنش و کیفر قرار می‌دهند. (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران، معارف قرآن، ص ۱۸۵) البته در سیره عقلاء نیز گاهی احباط و تکفیر به چشم می‌خورد ولی به عنوان یک اصل کلی و همیشگی نیست؛ بنابراین احباط و تحابط به عنوان یک قاعده کلی و فراگیر باطل است، ولی در مواردی وجود دارد و سیره عقلاء و آیات و روایات، هم مؤید ابطال کلی آن است و هم مؤید اثبات جزئی و موردی آن می‌باشد. (همان، ص ۱۸۶)

عوامل حبط

بنا بر دلایلی که ذکر شد، حبط به صورت کلی باطل است، اما در چند مورد وجود دارد:

۱- کفر و عناد با حق: اعمال خوب کافر به سبب کفرش باعث سعادت او در دنیا و آخرت نمی‌گردد و این اعمال نابود می‌شوند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ... أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند... آن‌ها کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده است." (سوره ی آل عمران، آیات ۲۱ و ۲۲)

بنابراین به واسطه کفری که از انسان صادر می‌شود، حسنات وی حبط شده و از بین می‌رود.

۲- ارتداد: کسی که مدتی مؤمن بوده و عمل صالح انجام داده است با مرتد شدن و انکار خدا، آخرت یا رسول خدا (ﷺ) و سرپیچی از احکام ولایی آن حضرت که همه‌اش به انکار خدا برمی‌گردد، خود را به وادی کفر و عناد می‌اندازد. چنین کسی اگر قبل از توبه بمیرد، جز کفر و

چرا که گاهی گفتار آن ها سبب گمراهی هزاران نفر می شود و (تا زمانی که) سخنان گمراه کننده آن ها باقی بماند و سرچشمه گمراهی نسل ها شود، بار آن ها نیز بر دوششان سنگینی می کند و از آنجا که گفته "قسمتی از بار گناهان کسانی را که گمراه کرده اند، بر دوش دارند" و نگفته همه بار گناهان آن ها را، بعضی از مفسران گفته اند که پیروان گمراه دو نوع گناه دارند؛ گناهانی که به عنوان پیروی از رهبرانشان مرتکب می شوند و گناهانی را که مستقلاً دارند. آنچه بر دوش رهبران سنگینی می کند، نوع اول است. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۰۱)

۴- عاید شدن مثل برخی حسنات به دیگری: پاره ای از حسنات هستند که سبب می شوند نظیرش عاید دیگری شود. (امین، معارف قرآن در المیزان، ص ۲۵۲) همانطور که خداوند متعال فرموده: "وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ" کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می کنیم و از (پاداش) عملشان چیزی نمی کاهیم؛ هر کس در گرو اعمال خویش است. " (سوره ی طور، آیه ۲۱) از تعبیرات آیه برمی آید که منظور، فرزندان بالغی است که در مسیر پدر گام برمی دارند، در ایمان از آنان پیروی می کنند و از نظر مکتبی به آن ها ملحق می شوند. این گونه افراد اگر از نظر عمل، کوتاهی و تقصیراتی داشته باشند، خداوند به احترام پدران صالح، آن ها را می بخشد و ترفیع مقام می دهد و به درجه آنان می رساند. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۲۹)

این مورد شامل گناهان هم می شود، مثل ظلم به ایتام که باعث می شود فرزند خود انسان یتیم شود و نظیر آن ستم در فرزندان ستمگر جریان یابد. (امین، احکام حقوقی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۱۷۰) در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است: "وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ" کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند، از آینده آنان می ترسند، (باید از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند. (سوره ی نساء، آیه ۹)

کارهایی که افراد در اجتماع مرتکب می شوند تدریجاً شکل یک سنت به خود می گیرد و به نسل های آینده منتقل می شود، بنابراین، کسانی که اساس ظلم و ستم بر ایتام را در اجتماع می گذارند، بالاخره روزی این بدعت غلط، دامن فرزندان خود آن ها را خواهد گرفت و در حقیقت این موضوع، یکی از آثار وضعی و تکوینی اعمال آن هاست و اگر به خدا نسبت داده می شود، به

خاطر آن است که تمام آثار تکوینی و خواص علت و معلول به او منسوب است. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۷۸) بنابراین مثل حسنات یا سیئات انسان ممکن است به دیگران الحاق شود و در سرنوشت و عاقبت آنان تأثیر داشته باشد.

تضاعف در دو قلمرو ثواب و عقاب

برخی از اعمال هستند که موجب مضاعف شدن ثواب یا عقاب انسان می‌شوند:

۱- طاعت موجب دوچندان شدن ثواب: پاره‌ای از طاعت‌ها هستند که باعث دوچندان شدن ثواب می‌شوند، مانند انفاق در راه خدا. خداوند متعال می‌فرماید: "مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند بذری هستند که هفت گوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کسی بخواهد، دو یا چند برابر می‌کند." (سوره ی بقره، آیه ۲۶۱)

این آیه مؤمنین را تحریک و تشویق به انفاق در راه خدا می‌کند و مثلی می‌زند که یک درهم آن ۷۰۰ درهم می‌شود و چه بسا که خدا بیشترش هم می‌کند، برای این که او واسع است و هیچ مانعی نیست که از جود او جلوگیری کرده و فضل و کرمش را محدود سازد. (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۸۶ و ۵۹۳)

علاوه بر این طبق آیه شریفه "مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا؛ هر کس کار نیکی به جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد." (سوره ی انعام، آیه ۱۶۰) کارهای نیک به طور کلی اجر مضاعف دارد.

۲- گناهان موجب دوچندان شدن عذاب: برخی از گناهان هستند که موجب دوچندان شدن عذاب می‌شوند. (امین، احکام حقوقی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۱۷۰)

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ؛ ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود عذاب او دوچندان خواهد." (سوره ی احزاب، آیه ۳۰)

این آیه پیرامون همسران پیامبر (ﷺ) سخن می‌گوید که اگر اطاعت خدا کنند پاداشی مضاعف دارند و اگر گناه آشکاری مرتکب شوند، کیفر مضاعف خواهند داشت؛ ولی از آنجا که ملاک و معیار اصلی همان داشتن مقام و شخصیت و موقعیت اجتماعی است، این حکم درباره افراد دیگر که موقعیتی در جامعه دارند نیز صادق است. این گونه افراد تنها متعلق به خویش نیستند، بلکه وجود آن‌ها دارای دو بعد است، بعدی تعلق به خودشان است و بعدی تعلق به جامعه و برنامه زندگی آن‌ها می‌تواند جمعی را هدایت یا عده‌ای را گمراه کند. بنابراین، اعمال آن‌ها دو اثر دارد، یک اثر فردی و دیگری اثر اجتماعی و از این لحاظ هر یک دارای پاداش و کیفری است. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۵)

طبق این آیات و آیات دیگری از قرآن کریم اعمال انسان می‌تواند اجر یا کیفر مضاعفی داشته باشد.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر، تأثیر متقابل حسنات و سیئات را از دیدگاه آیات قرآن کریم، مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق ما به دنبال این بودیم که آیا حسنات و سیئات بر یکدیگر اثر می‌گذارند و یا این که حسنات به تنهایی و جداگانه سنجیده می‌شوند و سیئات نیز به تنهایی. طبق آیات قرآن نتیجه‌ای که حاصل شد این است که برخی از گناهان باعث حبط و نابود شدن حسنات می‌شوند، البته نه به طور کلی؛ بلکه بعضی از آنان مانند کفر و ارتداد محیط هستند. در مقابل برخی حسنات باعث محو شدن سیئات می‌شوند، مانند اجتناب از کبائر و برخی دیگر نه تنها سیئات را محو می‌کنند بلکه آنان را تبدیل به حسنات می‌کنند، توبه چنین اثری بر روی گناهان دارد. ارتکاب برخی سیئات مانند قتل باعث می‌شود فرد حسناش به دیگری منتقل شود و در مقابل سیئات او را نیز دریافت کند. بعضی از حسنات باقیات الصالحاتند و باعث می‌شوند مثل آن حسنات (نه عین آن) به حساب انسان منتقل شود؛ این مورد شامل سیئات نیز می‌شود. انجام برخی حسنات و یا سیئات باعث می‌شود مثل آن حسنه یا سیئه عاید دیگری شود؛ برای نمونه افراد مؤمنی که فرزندانشان در ایمان از آنان پیروی می‌کنند، خداوند آن فرزندان را به مقام پدرانسان می‌رساند. علاوه بر این، برخی طاعات سبب دوچندان شدن ثواب می‌شوند و برخی گناهان نیز موجب مضاعف شدن عقاب می‌گردند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. امین، مهدی، معارف قرآن در المیزان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ هـ، ش
۲. _____، انسان و اعمالش از دیدگاه قرآن و حدیث، تهران: موسسه نشر شهر، ۱۳۸۷ هـ، ش
۳. _____، احکام حقوقی از دیدگاه قرآن و حدیث، تهران: موسسه نشر شهر، ۱۳۸۷ هـ، ش
۴. صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان، قم: شکرانه، چاپ اول، ۱۳۸۸ هـ، ش
۵. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۷ هـ، ش
۶. طیب، عبدالحسین، کلم الطیب، تهران: کتابفروشی اسلام، ۱۳۶۳ هـ، ش
۷. فرخ فال، احمد، دایره المعارف ارتباطات و تعاملات خدا، انسان و جهان، قم: ذکری، ۱۴۰۰ هـ، ش
۸. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب اسلامی، بی تا.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۵۳ هـ، ش
۱۰. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران، معارف قرآن، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۷۶ هـ، ش
۱۱. یاحقی، محمد جعفر، (گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی) فرهنگنامه قرآنی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲ هـ، ش
۱۲. یزدی مطلق، محمود، به کوشش پژوهشگران گروه فلسفه و کلام اسلامی، اندیشه‌های کلامی شیخ طوسی (ره)، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۸ هـ، ش